

این سناریوی تکراری در کدام اتاق فکر نوشته شده؟

با اختیار بخواب، بالا جبار جان بکن...



تیمی که طی ماههای اخیر پله به پله بالا آمد و خود را پیدا کرد، در هیاهوی جام جهانی که حواسها سمت روسیه و تیم ملی بود، به حال خود رها شد و بهترین زمان ممکن برای یارگیری و نیز آماده سازی را از دست داد.

وسط مقصر است، کمی به عقب باید برگشت، به همین چند هفته قبل؛ استقلال با ۴ سهمیه در لیست ۲۳ نفره تیم ملی، صدرنشین تیم های باشگاهی ایران شد و از مدیر و مربی تیم گرفته تا هواداران، بابت این موفقیت، سرشان را بالا گرفتند و احساس غرور کردند. اما، همیشه در چنین لحظاتی، یک نفر باید پیدا شود که خود را از بند احساسات برهاند و به حقایق و "تبعات" اتفاقات بزرگ و مسرت بخش فکر کند. وقتی تیمت در بزرگترین تورنمنت فوتبال دنیا ۴ نماینده دارد که حداقل دوتایشان فیکس تیم ملی هستند، باید خود را آماده پیشنهادات کنی. همه چشمها آنجا را نگاه می کنند و طبیعی است که دنبال "شکار" باشند. مشتری ها هم متفاوتند؛ عده ای دنبال استعداد های جوان می گردند و گروهی نیز در جستجوی بازیکنان پخته و باتجربه ای هستند که سالهای آخر دوران بازیگری شان را سپری می کنند.

استقلال در روسیه برای هر دو مشتری، جنس "ناب" داشت. اینچنین است که می گوئیم نباید امروز رفت و یقه امید ابراهیمی را چسبید. با آن بازیهای درخشان، اگر سنش کمتر بود، بهترین پیشنهادات

سنگین تر از آنی بود که تصور می شد.

در بازگشت شفر به ایران، با جلب پاسپورت او در فرودگاه، اولین شوک به این مربی و هواداران استقلال وارد شد چرا که مشخص گشت اوضاع مالی و مدیریتی و برنامه ریزی باشگاه استقلال "خراب" است و این بدترین خبر ممکن در آستانه فصل جدید به حساب می آمد. تمرینات که ناقص و بی روح شروع شد، زمزمه هایی به گوش رسید مبنی بر مصدومیت "قدیمی" تعدادی از خرید های جدید از جمله آقاخان و تیموری! ابتدا آقایان در صدد تکذیب برآمدند اما خیلی زود مشخص شد این بازیکنان بدون هماهنگی با دکتور نوری جذب شده اند و از مصدومیت های کهنه رنج می برند.

صدای اعتراض مرد آلمانی کم کم واضحتر به گوش می رسید و در ادامه نیز با جواب کردن امثال امید سام کن (که جزو جذب شده های شبانه باشگاه استقلال بود) نشان داد اصلاً از اوضاع راضی نیست. تماس امید ابراهیمی با شفر و آب پاکی ای که روی دست وی ریخت نیز اوج اتفاقات تلخ و شوک آور روزهای اخیر استقلال بود... در رابطه با امید ابراهیمی، کوچش به قطر و اینکه چه کسی این

باز هم فصل نقل و انتقالات و باز حرف و حدیث و نگرانی جماعتی به نام هوادار. این بار هم پای طرفداران استقلال وسط است، مثل تمام سالهای اخیر، به ویژه از زمانی که نفراتی چون افتخاری در ظاهر و به اصطلاح، مدیریت این باشگاه سابقاً پرافتخار را بر عهده گرفته اند.

تیمی که طی ماههای اخیر پله به پله بالا آمد و خود را پیدا کرد، در هیاهوی جام جهانی که حواسها سمت روسیه و تیم ملی بود، به حال خود رها شد و بهترین زمان ممکن برای یارگیری و نیز آماده سازی را از دست داد.

در روزهایی که شفر از تهران دور بود، بازیکنانی چون آقاخان، محمدی مهر، تیموری، باقری، دانشگر، صیادمنش و نیز تعداد زیادی (!) بازیکن رده امید جذب شدند و معاون باشگاه طبق معمول شبانه از عکس هایش با آنها رونمایی کرد.

همان روزها هم اعتقاد داشتیم این بازیکنان، ذخیره های مناسبی برای استقلال "احیاشده" هستند اما مدیران باشگاه طبق لیست شفر، ابتدا باید به فکر حفظ شاکله اصلی تیم و بعد جذب اولویتهای اول وی باشند. این را خیلی ها گفتند و حتی فریادش زدند اما گوشها